

## به نام خداوند جان و خرد

### درس ششم (قدرت اجتماعی)

#### انواع ارزش

- **غایی (نهایی):** در هدف و غایت چیزی وجود دارد ← ارزش غایی خلقت انسان و جهان ← سعادت و کمال انسان
- **واسطه‌ای:** مقدمه و راه رسیدن به ارزش‌های غایی، به‌خودی‌خود دارای معنا و ارزش نیست، ارزش خود را از ارزش غایی می‌گیرد.

انسان همواره سه گانه قدرت، ثروت و دانش (مزایای اجتماعی) را ارزش‌های واسطه‌ای و پیش‌نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می‌داند.

#### 👉 دیدگاه‌های مختلف نسبت به مزایای اجتماعی

- نگاه گذشته:

۱. دانش ← مثبت و خیر و خوب

۲. ثروت ← خاکستری (نه خوب و نه بد)

۳. قدرت ← منفی و بد

- نگاه اخیر غرب:

۱. قدرت و ثروت دیگر مورد داوری اخلاقی قرار نگرفتند تا با توسعه و گسترش آن‌ها زمینه آسایش و آرامش بشر فراهم شود.

۲. دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود شد و برای نیل به همان هدف به خدمت گرفته شد.

**پیامدها:** در کنار نتایج خیره کننده و شگرف توسعه قدرت و ثروت، پیامدهای دیگری همانند فقر، نابرابری، سرکوب، شدیدی برانگیخت.

### واکنش‌ها:

۱. نخستین واکنش ← ثروت ← ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلم‌ها و شرارت‌ها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد.

۲. دومین واکنش ← دانش ←

۱. خوش بینی به دانش نیز مورد تردید جدی قرار گرفت.

۲. خود دانش نیز مورد نزاع و کشمکش بود.

۳. دانش دیگر راهنمای ما به سوی سعادت نبود.

۴. به همراه قدرت و ثروت، رو به تاریکی و ظلمت می‌نهاد.

وقتی انسان‌ها جمعی زندگی می‌کنند، تفاوت‌های فرهنگی، زیستی و جغرافیایی می‌تواند باعث اختلاف‌ها و تضادهایی در میان آن‌ها شود.

### 👉 چه چیزی باعث به وجود آمدن سیاست و عمل سیاسی می‌شود؟

تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک و رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که باهم زندگی می‌کنند، «سیاست» و «عمل سیاسی» را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد.

با گذر زمان هرچه جوامع پیچیده‌تر ← سیاست ضروری و پیچیده‌تر

### 👉 نمونه‌هایی از اعمال سیاست در گذشته (مبارزه با سیل)

۱. مصر ← ساختن نهرها و زهکشی بزرگی بود که طغیان نیل را مهار می‌کرد توسط فرعون

۲. چین ← رسالت نخستین امپراتوران چین ایجاد کار جمعی و فعالیت‌های منظم برای ساخت سد و آب‌بندان (یو کبیر: رام‌کننده آب‌ها)

### دو وجه (بعد) سیاست

• تدبیر و تنظیم امور ← قانون

• ضمانت اجرای قانون ← قدرت

قدرت وجه عینی و محسوس سیاست و جنبه الزام آور آن است.

👉 سیاست، قدرت است یا قانون؟

هر دو. انتظار می رود که هرکس با اتکا به عقل، ایمان و تقوای خویش، قانون را رعایت کند، ولی برای اجرای قانون، باید از قدرت نیز استفاده کرد یا حداقل باید تهدید کرد که در صورت تخلف از قانون، از قدرت استفاده می شود.

👉 تفاوت نگاه گذشته و مدرن به قدرت

گذشته

۱. هرگز قدرت، مسئله اول و اصلی سیاست نبوده است.

۲. قدرت، وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت های اخلاقی قلمداد می شده است.

۳. همه حاکمان به این اندیشه پایبند نبوده اند اما تلقی عمده فرهنگ ها و جوامع بشری این گونه بوده است.

۴. سیاستمداران و قدرتمندان نیز حداقل در ظاهر، مجبور به توجه به چنین معنایی از سیاست و قدرت بودند.

۵. مثال: رواج سیاست نامه نویسی و سیاست نامه ها که مجموعه نصیحت هایی برای ملوک و پادشاهان (مثل: سنگ نوشته داریوش در نقش رستم معروف به Dnb / سیاست نامه یا سیرالملوک خواجه نظام الملک).

مدرن

۱. خود قدرت فارغ از اهداف اخلاقی دارای اهمیت است.

۲. قدرت به مسئله اصلی سیاست و جوهر آن تبدیل شده است.

۳. برخی همه سیاست را قدرت می دانند و برخی بخش عمده ای از آن را قدرت می پندارند.

۴. سیاست با غایت و هدف سعادت و فضیلت، دآوری نمی شود.

۵. بیشتر با آرمان پیروزی، موفقیت و تسلط ارزیابی می گردد.

**بیشتر بدانیم:**

**قدرت طلبی، صرفاً برای لذتی که از آن حاصل می شود، در هیچ فرهنگی روا نیست.**

👉 **آیا قلمرو سیاست، محدوده حکومت و دولت است یا سیاست، قلمرو عام تری دارد؟**

گذشته ← محدوده حکومت و دولت / سیاست = نهاد حکومت

امروزه ← محدوده تمامی جوامع / سیاست را با هیچ مقوله عینی و محسوسی یکی نمی گیرند

👉 **آیا هر نگاه به جامعه و هر وجهی از جامعه، سیاسی است؟**

خیر ← هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت یا با قدرت سروکار دارد، سیاسی به شمار می رود.

**کاهش کنش سیاسی بیرون از نهاد حکومت و دولت انجام می گیرد.**

👉 **نمونه هایی از کنش های سیاسی بیرون از نهاد حکومت و دولت**

- شورش علیه انقراض یک جنبش زیست محیطی جهانی با هدف به کارگیری نافرمانی مدنی بدون خشونت
- افشای اسناد با هدف شفاف سازی عملکرد دولت ها و سازمان های بزرگ توسط سایت ویکی لیکس
- فعالیت مدنی و اجتماعی محمد علی کلی (بوکسور مشهور آمریکایی)

**یادآوری مطالب گذشته (درس ۱۵ جامعه دهم)**

👉 **تعریف انواع قدرت**

۱. **قدرت فردی** ← هرگاه موجودی بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است.
۲. **قدرت اجتماعی** ← اگر انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد، قدرت اجتماعی پیدا می شود.

**انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است.**

👉 **چرا قدرت فردی محدود است؟**

قدرت فردی انسان محدود است و نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده کند و برای تأمین برخی از نیازهای اولیه زندگی خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

کسانی که در زندگی توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند.

### ✓ ابزارهای امروزی اعمال قدرت

#### تنبيه > تشويق > اقناع

- **تنبيه** ← زور، خشونت (کمتر)
- **تشويق** ← ثروت، درآمد، پاداش مالی
- **اقناع** ← فکر، آموزش و تبلیغ (بیشتر)

#### 👉 وجه مشترک قدرت تنبيهی و قدرت تشويقی:

۱. در هر دو، پیروی کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود آگاهی دارد.

#### 👉 تفاوت تنبيه و تشويق:

۲. تنبيه به وسیله اجبار

۳. تشويق به وسیله پاداش

#### 👉 تفاوت اقناع با تنبيه و تشويق (ویژگی های قدرت اقناعی):

۱. قدرت اقناعی برخلاف این دو با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت، اعمال می شود.

۲. در قدرت اقناعی، تبعیت و پیروی نشانه کار درست است. به گونه ای که پیروی کننده، در مواردی متوجه تبعیت و پیروی خود نمی شود.

۳. در ترغیب، تبلیغ و آموزش و تعهد اجتماعی، آنچه فرد، درست و حق و هنجار می پندارد موجب تبعیت او از اراده و خواست دیگران می شود.

۴. فرد برای پیروی، محاسبه سود و زیان خود را نمی‌کند.

۵. در مواردی اقناع از طریق درست و شایسته و در مواردی از مسیر نادرست و ناشایست شکل می‌گیرد.

### 👉 اعمال قدرت تنبیهی در دوران امروزی چگونه است؟

۱. امروزه قدرت تنبیهی عمدتاً منحصر و متمرکز در دست دولت‌ها است که از طریق قانون و پیمودن مراحل قانونی اعمال می‌شود.

۲. از سویی، انتظار می‌رود افراد مطمئن شوند که از ناحیه هیچ فرد یا گروهی مورد ضرب و شتم و تنبیه قرار نمی‌گیرند.

۳. از سوی دیگر هیچ‌کس نباید به‌صورت خودسرانه به اعمال خشونت و تنبیه دیگران مبادرت کند.

۴. برخلاف گذشته خبر کمتری از نزاع‌ها و دعوای فردی و دسته‌جمعی به گوش می‌رسد و عملی مذموم و غیر عقلانی به حساب می‌آید.

### ✅ منابع امروزی قدرت (آنچه موجب دسترسی به قدرت می‌شود) (ظرف‌ها و قالب‌هایی که ابزارهای قدرت درون آن شکل می‌گیرند)

#### شخصیت / مالکیت / سازمان

##### ۱. شخصیت

خصلت‌های جسمانی (قد، هیکل و...)، فکری، بیانی، اخلاقی، هوش، جاذبه یا دیگر ویژگی‌های شخصیتی

در گذشته (جوامع نخستین) ← قدرت بدنی منبع دستیابی به قدرت تنبیهی بود.

امروزه ← شخصیت با قدرت اقناعی یعنی توانایی ترغیب یا ایجاد باور، نزدیکی بیشتری دارد.

##### ۲. مالکیت

ثروت و درآمد وسیله جذب اطاعت دیگران است. ثروت، وجهه و شکوهی به فرد عامل قدرت می‌دهد که همان اراده و قاطعیت اوست و می‌تواند موجب اطاعت اقناعی دیگران شود؛ ولی مسلم است که مالکیت بیشتر با قدرت تشویقی قرابت دارد.

### ۳. سازمان

۱. تعریف سازمان ← سازمان یعنی جمعی کسانی که منافع، ارزش‌ها یا برداشت‌های مشترکی دارند.

۲. سازمان مهم‌ترین منبع قدرت در جوامع امروزی است.

### انواع سازمان

| نوع   | ۱. انسجام اجتماعی                  | ۲. یکپارچگی نظام                              |
|-------|------------------------------------|-----------------------------------------------|
| تعریف | پیوند میان افراد و گروه‌های انسانی | پیوند میان نقش‌ها، واحدها و ساختارهای اجتماعی |
| مثال  | رابطه همکاران و هموطنان و همکیشان  | رابطه اقتصاد و سیاست یا علم و سیاست           |

### ۳. رابطه سازمان و قدرت اقناعی

سازمان در درجه نخست با قدرت اقناعی خویشاوند است؛ به این معنا که اعمال قدرت اقناعی، نیازمند وجود سازمان است.

### ۴. لازمه سازمان

لازمه سازمان، پذیرفتن هدف‌های سازمان توسط افراد و اعضای آن است. سازمانی که اعضای آن به طور یکپارچه، اهداف آن را قبول نداشته باشند و از آن صداهاى مختلفی شنیده شود، نمی‌تواند اطاعت افراد بیرون از خود را تضمین کند.

(عدم پذیرش یکپارچه اهداف توسط اعضای داخلی سازمان ← عدم اطاعت افراد بیرون از سازمان)

مثال: اختلاف نظر پزشکان ← عدم اطاعت بیماران

جوامع خود بزرگ‌ترین و مؤثرترین سازمان‌ها هستند.

جوامعی که اختلاف و چند دستگی در آن‌ها پیدا شود، در مقابل رقیبان و دشمنانشان آسیب‌پذیر می‌شوند.

|            |                                                                                                                       |
|------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| گفتگو کنید | تماشاگر نباشید ← بی‌توجه و منفعل نباشید ← دعوت به مشارکت اجتماعی و سیاسی و نظارت بر کنشگران و واحدهای اجتماعی و سیاسی |
|------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

✓ تغییر در منابع قدرت در طول تاریخ (فیلم پدرخوانده)

۱. اثرگذاری و تأثیر شخصیت کاسته شده است.

۲. نقش مالکیت نیز کاسته شده است.

۳. نقش سازمان افزایش یافته است ← امروزه بیشترین قدرت‌ها درون سازمان‌ها متمرکز شده‌اند.

۴. مثال ← در شرکت‌های بزرگ، سهم مالکیت و نقش سهامداران کاسته شده و بر نقش مدیران و مشاوران افزوده شده است.

۵. مالکیت و شخصیت به پشت‌گرمی سازمان، مؤثر واقع می‌شوند.

**بسیار مهم: رابطه منابع قدرت - ابزار قدرت - مزایا (ارزش‌ها) اجتماعی**

| منابع یا عوامل قدرت | ابزار اعمال قدرت | ارزش‌های اجتماعی |
|---------------------|------------------|------------------|
| شخصیت               | تنبیهی           | قدرت             |
| مالکیت              | تشویقی           | ثروت             |
| سازمان              | اقتناعی          | دانش             |

**گفتگو** مشارکت سیاسی ← افزایش آگاهی سیاسی انتخابات یکی از شیوه‌های مشارکت کنید سیاسی است

**نگاه به مفهوم قدرت:**

۱. قدرت مفهومی مسئله‌برانگیز و به‌شکل اجتناب‌ناپذیری، ارزشی است.

۲. سخن گفتن از قدرت و سیاست به‌ندرت بی‌طرفانه است.

۳. کمتر واژه‌ای نظیر قدرت، با واکنشی بسیار تحسین‌آمیز یا نفرت‌انگیز روبه‌رو می‌شود.

۴. سابقه تاریخی اعمال تنبیهی قدرت، شهرت هراسناکی برای قدرت پدید آورده است.

۵. قدرت اقتناعی بر بسیاری از اعمال قدرت‌ها، سرپوش می‌گذارد و آن را پنهان می‌کند که وقتی آشکار می‌شود، بسیار ناهق و ناروا به نظر می‌آید.

۶. با این حال قدرت یک ضرورت اجتماعی است.

۷. خود قدرت به هیچ‌وجه امر شر و پلیدی نیست.

### چگونه باید قدرت را درست بنگریم؟

همواره باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم تا شرعی، اخلاقی و قانونی بودن آن را دریابیم. درعین حال همواره باید مراقب باشیم از مواجهه بدبینانه و زاهدانه با قدرت نیز خودداری کنیم.

### کنش سیاسی و استفاده از قدرت با دو هدف صورت می‌گیرد:

۱. تغییر نظام و وضع سیاسی موجود ← برای ایجاد وضعیت بهتر

۲. حفظ نظام و وضع سیاسی موجود ← پیش‌گیری از تغییر

**تمامی کنش‌های سیاسی با دو مفهوم «بهتر» و «بدتر» هدایت می‌شوند.**

### چرا فعالیت‌های سیاسی باید در جهت دسترسی به جامعه خوب باشد؟

۱. مهم‌ترین هدف انسان در زندگی دستیابی به فضیلت‌های انسانی و سعادت همگان است.

۲. فضیلت‌های انسانی در «زندگی خوب» و «جامعه خوب»، به دست می‌آید.

### چرا باید امور سیاسی را ارزیابی کرد؟

۱. امور سیاسی اموری خنثی نیستند یعنی امور سیاسی مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان‌ها قرار می‌گیرند.

۲. امور سیاسی از انسان اطاعت، وفاداری و تصمیم می‌خواهند بنابراین لازم است که آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهیم.

**شاید در عمل تشخیص دقیق خوب از بد بسیار دشوار باشد، اما غیرممکن نیست.**

### طبیعت یک نظم جهان‌شمول دارد یعنی چه؟

قوانین طبیعت در هر مکان و زمانی یکسان اند پس نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر زمان و مکانی می تواند به تمامی مکان ها و زمان ها تعمیم داده شود.

### 👉 آیا می توان نتایج حاصل از مطالعه یک جامعه را به همه جوامع تعمیم داد؟

خیر ← مثلاً ما نمی توانیم نتایج حاصل از مطالعه جوامع غربی را به جوامعی که با جهان غرب متفاوت هستند تعمیم دهیم.

### راهکارهای پیشگیری از اشتباهات در مطالعه جوامع

| اشتباه                                                                            | راهکار پیشگیری                                   |
|-----------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------|
| تعمیم نتایج مطالعه یک جامعه به همه جوامع دیگر                                     | مطالعه سایر فرهنگ ها و جوامع                     |
| عدم توجه به معانی فرهنگی و مطالعه جوامع از منظر غرب                               | مطالعه جوامع دیگر از منظر خودشان (رویکرد تفسیری) |
| مطالعه پایان ناپذیر و از دست رفتن امکان مقایسه و داوری فرهنگ ها به علت تنوع جوامع | -                                                |

مثال: ماکس وبر ← شهر را زیستگاهی که دارای قلعه و برج و بارو و ... است تعریف می کند. اگر پژوهشگری از منظر وبر به مطالعه جوامع غیرواروپایی بپردازد، به اشتباه اینگونه نتیجه گیری خواهد کرد که شهر فقط در اروپا وجود دارد.

### 👉 استفاده از رویکرد تفسیری در مطالعه جوامع با چه اشکالاتی مواجه است؟

۱- تعدد و تنوع فرهنگ ها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان ناپذیر و تمام نشدنی می سازد.

۲- فرهنگ های معمولاً به مرزهای خود محدود نمی مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزش ها برای تشخیص ارزش های صحیح از ارزش های غلط می سازند.

۳- اگر علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و داوری فرهنگ ها و ارزش ها از دست می رود.

### 👉 جامعه شناس تبیینی چگونه قدرت را مطالعه می کند؟

۱- جامعه‌شناسی تبیینی با منحصر کردن معنای علم به دانش آزمون‌پذیر و تجربی، ارزش‌های انسانی را از دایره مطالعه علمی بیرون می‌راند.

۲- از این رو با ارزش‌زدایی و معنازدایی از قدرت، آن را به‌عنوان یک پدیده فاقد معنا و خنثی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

### 👉 جامعه‌شناسی تفسیری چگونه قدرت را مطالعه می‌کند؟

۱- جامعه‌شناسان تفسیری اگرچه امور سیاسی را پدیده‌هایی معنادار و ارزشی می‌دانند.

۲- اما صرفاً به توصیف ارزش‌ها و نظام‌های سیاسی بسنده می‌کنند.

۳- ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آن‌ها ارائه نمی‌دهند.

### 👉 چرا جامعه‌شناس انتقادی رویکردهای تفسیری و تبیینی را محافظه‌کار می‌داند؟

۱- چون نمی‌توانند درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی داوری کنند.

۲- هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضع موجود ندارند و به شرایط موجود تن می‌دهند.

۳- انسان‌ها را نسبت به وضعیت منفعل و مجبور می‌سازند.

### 👉 جامعه‌شناس انتقادی چه چیزی را بن‌بست زندگی انسان معرفی می‌کند؟

آن‌ها یافتن راهی درباره داوری علمی ارزش‌های اجتماعی به ویژه عرصه قدرت را ضروری می‌دانند و دست شستن از این آرمان بزرگ را بن‌بست زندگی انسان معرفی می‌کنند.

### عمق و سطح سیاست و قدرت

| ارزش‌ها      | ارزش‌های سیاسی               | رویکردهای جامعه‌شناختی |        |         |
|--------------|------------------------------|------------------------|--------|---------|
|              |                              | تبیینی                 | تفسیری | انتقادی |
| قلمرو حقیقی  | فضیلت و فضیلت‌های سیاسی      | -                      | -      | ؟       |
| قلمرو آرمانی | معانی و تدابیر سیاسی، قوانین | -                      | +      | +       |

| ارزش ها     | ارزش های سیاسی | رویکردهای جامعه شناختی |   |   |
|-------------|----------------|------------------------|---|---|
| قلمرو واقعی | قدرت           | +                      | - | + |

قلمرو حقیقی: ارزش ها مستقل از خواست افراد هستند (بدی ظلم - خوبی عدالت)

## مقایسه نظام جمهوری اسلامی و لیبرال دموکراسی

### معیارهای مقایسه:

۱. مشارکت مردم

۲. ارزیابی فعالیت و تصمیم مردم و حاکمان

۳. تعامل نظام سیاسی و جهان اجتماعی

۴. تعامل علوم اجتماعی و نظام های سیاسی

| لیبرال دموکراسی                                                                                                            | جمهوری اسلامی                                                                                                                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| - لیبرالیسم به معنای مجاز دانستن همه امور برای انسان و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است. | - در این ترکیب، جمهوری به این معناست که مردم خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند و اسلامی نشانگر این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی براساس عقاید و ارزش های اسلامی سازمان می یابد. |
| - با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی شناسد.        | - قوانین و مقررات آن با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می گردند.                                                                                                          |
| - نظام سیاسی سازگار با فرهنگ جهان غرب که رویکردی سکولار و دنیوی به جهان هستی دارد.                                         | - نظام سیاسی سازگار با فرهنگ توحیدی که در جهان اسلام مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.                                                                                                   |
| - در این نظام آزادی مهم ترین ارزش اجتماعی است و ثبات، رفاه و سلطه بر طبیعت از دیگر ارزش های مهم آن به شمار می روند.        | - ارزش های سیاسی و قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته و معین می شوند. مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آن ها را به عهده دارند.                                                    |
| - در این نظام فقط می توان از مقبولیت و قدرت حرف زد و نمی توان از مشروعیت سخن گفت.                                          | - در این نظام می توان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت.                                                                                                                                |